

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال – افغانستان

۱۰/۱۱/۰۵

در افغانستان چه می گذرد؟

(۹۱)

راکت زنی بر نیمروز:

به تاریخ ۳۱ اکتوبر حینیکه سه طیاره نظامی امریکائی در میدان هوائی نیمروز نشست کرد، سه راکت پیهم بر این میدان فرود آمد و تلفاتی در پی نداشت. با اینکه مردم در شهر زرنج به اضطراب در آمده و برخی ها دکانهای شان را بستند، اما این راکت زنی به زودی خاموش شد. اینکه چگونه به مجرد نشست این طیاره ها سه راکت آماده شلیک شد برای همه سوال است و مردم فکر می کنند که طالبان باید قبلا از آمدن این طیاره ها به نیمروز خبر داشته بوده باشند. اما امریکائی ها از چندی به این سو تلاش هائی را به راه انداخته اند تا در نیمروز جای پای محکمی برای شان بسازند. چون این ولایت به خاطر نزدیک بودن با ایران برای امریکائی ها بسیار مهم می باشد. امریکائی ها ماه گذشته که پیشنهاد صلح را با طالبان با سپردن قدرت به آنها پیش کردند، یکی از شرایط آنان داشتن پایگاه و میدان هوائی در نیمروز بود و این نشان می دهد که امریکائی ها به زودی دست به تأسیس چنین میدان و پایگاه در نیمروز خواهد زد. تا حال در این ولایت هیچ نیروی خارجی جا به جا نشده و ایران تلاش می کند تا قبل از جابه جائی چنین نیروئی، طالبان را به طور گسترده اکمال نمایند. روابط طالبان خاشرود با ایران بسیار خوب است و از مدت ها برای آنان سلاح و مهمات کمک می کند.

دیدار با سران طالب:

به تاریخ ۲۷ اکتوبر یک هیأت طالب که در آن مولوی کبیر والی ننگرهار و معاون صدراعظم در زمان طالبان، مولوی صدراعظم و داکتر انوارالحق مجاهد پسر مولوی خالص توسط هلیکوپتر از پاکستان آورده شده و دو روز در ارگ با کرزی جلسه داشته است. این نشست را برخی از طالبان تسلیم شده چون ملا رحمانی تأیید کرده، اما افراد

دیگری که در ارگ کار می کنند ازین مسأله اظهار بی اطلاعی کرده اند. مولوی کبیر که در زمان دستگیری ملا برادر آوازه دستگیری او هم بر آمد فعلاً رئیس شورای طالبان در پشاور می باشد. چند روز قبل هم گفته شد که چند تن از اعضای شورای کویته طالبان توسط طیاره های ناتو به کابل آوردن شده و دوباره به مرز پاکستان در قندهار برده شده اند. این حرکات بالاخره چهره واقعی طالبان را که چگونه در پیوند با امپریالیست های غربی قرار دارند، آشکار ساخته راز های پشت پرده را افشاء می سازند. بسیاری به این باورند که طالبان تمسکی برای حضور امریکا در افغانستان اند و برای این که بتوانند این جنگ را مدتی ادامه دهند بر رخ طالبان پرده کشانده شده و زمانی که دیگر ماموریت آنها در افغانستان به پایان برسد، امریکا آنها را از پس پرده به پیش پرده خواهد آورد. اما چون تا حال این ماموریت ادامه دارد لذا ضعیف به نظر می رسد که این مصالحه به صورت جدی عملی شود.

اختلاف با روس ها:

شیوه مبارزه به ضد مواد مخدر بار دیگر به اصطلاح کرزی را بر آشفته ساخت. چون به تاریخ ۲۷ اکتوبر نیرو های امریکائی و افغان با چهار تن از اجنت های روسی (سفارت روسیه این تعداد را دوتن گفته است) در عملیاتی بر چهار لابراتوار ساخت هیروئین در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار آوردند، این حرکت کرزی را تحریک کرد که وطنپرست شود و عصبیت او را برانگیخت!! درین عملیات علاوه به نابودی این لابراتوار ها به ارزش میلیون ها دالر مواد مخدر که شامل تریاک و هیروئین بود نابود شدند، اکت و ادای وطنپرستانه کرزی این است که چرا «روسهای متجاوز» را درین عملیات شریک ساخته اند. او می گوید «هیچکس حق ندارد، بدون موافقه دولت او در داخل افغانستان بیاید و اینگونه عملیات کند» او بدون این که خود و صلاحیت خود را بدانند با عصبانیت عجیبی می گوید که «این چنین عملیات خود سرانه نقض قوانین بین المللی است» و به وزارت داخله دستور داد تا درین زمینه تحقیق کند. واقعاً جالب است، اینکه همین اکنون ۱۴۰ هزار سرباز در افغانستان زیر رهبری امریکا آمده و هرچه دلشان بخواهد، همانطور می کنند و خود را صلاحیت دار اصلی افغانستان دانسته و کرزی را پیشیزی ارزش نمی دهند، اما آمدن دو و یا چهار روسی این قدر احساسات ملی و اصول بین المللی او زیر پای می شود و به این خاطر مردم به چنین ادعا های کرزی خنده می کنند.

افغانستان که سالانه بیش از نود درصد مواد مخدر جهان را تولید می کند، بیش از دوصد میلیون معتاد در سراسر جهان از این مواد مخدر استفاده می نمایند. مواد مخدر تولید شده در افغانستان از راه های مختلف قانونی و غیر قانونی به خارج صادر می گردد. ۴۰ درصد این مواد از طریق پاکستان، ۳۰ درصد از طریق ایران و ۳۰ درصد دیگر از طریق شمال به بیرون فرستاده می شود و صد هزار نفر در کار انتقال این مواد در داخل افغانستان مصروف می باشند. فدراتیف روسیه یکی از کشور هائی است که در آن بیش از ۸ میلیون معتاد وجود دارد و در هرماه حدود سی هزار معتاد در آن کشور جان می دهند. به این صورت روسیه از کشور هائی است که خود را شدیداً در خط مقدم اعتیاد در جهان دانسته، حاکمان روسی ازین بابت به شدت تشویش دارند. برخی از رهبران روسیه معتقد اند که نیرو های ایالات متحده امریکا در افغانستان نه تنها در مبارزه با زرع تریاک در افغانستان گامی بر نمی دارند که چون باور دارند که امریکائی ها خود عامل بلند رفتن زرع و قاچاق مواد مخدر اند و از این طریق سود های کلانی به جیب می زنند لذا تلویحاً امریکائی ها را به خاطر مبارزه نکردن به ضد مواد مخدر محکوم کرده از آن ها انتقاد می کنند. روسها با صدور لجام گسیخته این همه مواد مخدر، کشور شان را در حالتی نوعی فروبردن در جنگ نامرئی می دانند که ماهانه جان این همه جوان روسی را می گیرد. دو ماه قبل نماینده

روسیه در سازمان پیمان ناتو با عصبانیت اعلان کرد که امریکائی ها از طریق افغانستان روسیه را در جنگ نا فرجامی قرار داده، نیروی جوان کشورش را به اعتیاد می کشاند، وی در ضمن ابراز کرد که امریکائی ها در مبارزه با مواد مخدر، برخورد دو گانه دارند، وقتی مواد مخدر کشور کوستاریکا جوانان امریکائی را هدف قرار می دهد، امریکا به ضد آن مبارزه کرده و مرز های کوستاریکا را برای جلوگیری از ورود این مواد به ایالات متحده، شدیداً کنترل و نظارت می کند، اما در مورد مواد مخدر افغانستان که روسیه را بیش از همه هدف قرار داده، هیچ توجهی ندارد. درین میان چند بار وزیر خارجه روسیه نیز اعتراض های تندى را عنوان کرده است.

شرکت چهار فرد روسی در عملیات اچین، نشان می دهد که امریکائی ها از بابت اعتراضات مقام های روسی نگران بوده و به خاطری که برای آنان نشان دهند که امریکائی ها درین زمینه از هیچ اقدامی دریغ نمی ورزند، آنان را درین عملیات سهیم ساخته اند. با اینکه حامد کرزی از بابت شرکت دادن روس ها درین عملیات خشمگین است، اما سفارت روسیه در کابل طی اعلامیه ای گفته است که روس ها به اجازه پولیس مبارزه با مواد مخدر افغانستان درین عملیات شرکت کرده و هیچ کار غیرقانونی انجام نداده اند.

اینکه کرزی چرا گاهی این چنین عصبی می شود، خشم او بیشتر متوجه امریکائی هاست تا اینکه از آمدن روس ها به افغانستان این قدر احساساتی باشد، زیرا درین مورد او را به هیچ حساب کرده و حتی زحمت یک تلفون که او را ازین ماجرا خبر کنند، هم برای خود نداده اند، اما برخورد های شخصی کرزی نیز گاهی از اندازه بالاتر بوده و بعد از آنکه خشمش فروکش کرد، چنین مسایلی برایش بسیار بی اهمیت می شود و این را خارجی ها خوب دانسته اند و به این خاطر در برابر این برخورد ها گاه خود را آرام می گیرند و بعد در حلقه به او می فهمانند که با آنها چگونه برخورد کند. از جائیکه درین عملیات نیرو های افغان نیز شرکت داشته، پس دلیلی وجود ندارد که دولت افغانستان از آن باخبر نبوده باشد.

در این نه سال در افغانستان کار های غیر قانونی بسیاری صورت گرفته که خود کرزی مسبب بیشتر آنهاست. پول گرفتن او و رئیس دفترش که یکی از جاسوسان رسوای ایران می باشد، از ایران که سرو صدای بسیاری را خلق کرد و امریکائی ها او را سرزنش کردند، آخرین نوع ازین نوع بی بند و باری های او است. بسیاری از وزیران خارجه، دفاع و حتی صدر اعظمان کشور هائی که در افغانستان نیرو دارند، بدون اینکه قوانین روابط میان کشور ها را رعایت کنند و دولت کابل را به اندازه بوت شان ارزش بدهند، بدون اینکه کابل بیابند و پاسپورت های شان مهر دخیلی بخورند، به هر ولایتی که دل شان بخواهد سفر کرده و از همانجا دوباره به کشور های شان بر می گردند. از رفت و آمد نیرو های نظامی این کشور ها، پرواز طیارات و حتی عملیاتی که در برخی از نقاط افغانستان انجام می دهند، کرزی و دولت او قطعاً آگاهی ندارد، اما در عملیات اخیر که چهار نفر روسی و یا به قول سفارت روسیه دو نفر در آن شرکت داشتند، اعتراض های تندى متوجه روسها شده، اما چون مردم افغانستان می دانند که این کشور در اشغال امریکائی ها قرار دارد، لذا به آمدن چهار نفر روسی عکس العمل نشان نمی دهد و حرف های کرزی برای شان جدی نیست.

تسلیمی ولسوالی خوگیانی:

به تاریخ اول نومبر، صبح وقتی نیرو های طالب ولسوالی خوگیانی را در غزنی تصرف کردند. درین ولسوالی که فقط ۱۷ نفر پولیس حضور داشتند، درین روز بر طبق یک پلان از قبل تعیین شده به طالبان تسلیم شدند. بعد نیرو های اردو، پولیس و ناتو از مرکز به قصد تسخیر دوباره این ولسوالی به خوگیانی رفتند، اما قبل از رسیدن این نیرو

به مرکز این ولسوالی طالبان سلاح، مهمات و ۱۷ پولیس را با خود برده و تعمیر ولسوالی را آتش زده بودند. ساکنان این ولسوالی به آژانس پڑواک گفته اند که به این ولسوالی ماه ها نه ولسوال و نه قومندان امنیه می آمد و این سربازان پولیس با مشکلات بسیاری زندگی کرده، اکثر نان خوردن خود را نداشتند و بالاخره به طالبان تسلیم شدند. ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان بعد گفت که ولسوالی را بدون زد و خورد گرفته و حال افراد پولیس در صف طالبان قرار گرفته و میخواهند که به ضد خارجی ها مبارزه کنند.

کاندیدان ناکام و بانگ «شرعی» پرچمی ها:

به تاریخ دوم اکتوبر عده زیادی از کاندیدانی که درین انتخابات ناکام شده بودند، در برابر دفتر سازمان ملل متحد دست به تظاهرات و رهپیمائی زدند. در میان این تظاهر کنندگان قد های دراز نورالحق علمی و کبیر رنجبر(خود را در هرجائی دکتر علوم می گوید) در صف اول این تظاهرات خود نمائی می کرد. این دو پرچمی معلوم الحال که اکنون از هر جهادی تر و از هر امریکائی امریکائی تر شده، کبیر رنجبر ضمن اینکه خواهان بر گذاری بار دیگر انتخابات شده و آن را از «نظر شرعی» نادرست می دانست با گلو پارگی خاصی از ملل متحد می خواست تا درین مورد مداخله کند. این دو پرچمی شرفباخته که تا دیروز چکمه های روس ها را می لیسیدند، بعد از آمدن امریکائی ها به افغانستان یکباره دموکراسی طلب و طرفدار «جامعه جهانی» شده و اینک آن را بر روی جاده ها فریاد می زنند. این خاصیت تمامی نیرو های بی جبهه بوده که با بیچارگی خاصی فقط دفتر یوناما را محل دادخواهی قرار داده، در روز های بیچارگی از آن کمک می خواهند، در حالیکه این دفتر مو به مو سیاست های اشغالگران را در افغانستان پیاده می کنند.

دو زن به قتل رسیدند:

به تاریخ اول نوامبر دو زن در هلمند به قتل رسیدند. این دو زن که در مؤسسه محجوبه هروی در لشکرگاه کار میکردند، حین رفتن به بیرون از شهر در مسیر راه لشکرگاه - گرمسیر در منطقه «عینک» توسط طالبان از موتر پائین کرده شده و بعد هردو تن تیرباران شدند. اینان که "ماه جبین سبحان زاده" و "نازنین" نام داشتند به دو جرم زن بودن و در انجو کار کردن، به قتل رسیدند. طالبان تا هنوز مسؤلیت این دو قتل را به عهده نگرفته اند. اینان هر وقت مرتکب چنین جنایاتی می شوند خود را آرام می گیرند و گاهی دست داشتن خود را در آن رد می کنند، اما مردم این را می دانند که چون طالبان جاهلترین نیروی مخالف و ضد زن است، لذا اگر تأیید بکنند و یا نکنند همه میدانند که این جنایت کار طالبان بی فرهنگ میباشد.

سرک حلقه نی ساخته می شود:

افغانستان چهار راهی است که از دیر زمانی دروازه هندوستان نامیده می شد و تمام کشورکشایان ازین طریق به اشغال هند کمر می بستند. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و مخصوصاً بعد از یازده سپتمبر این چهارراه برای دیگران، نه برای افغانها، سود آور بوده است و اکنون گرگان همسایه و برخی از کشور های منطقه (ایران، پاکستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجکستان، چین، روسیه، ترکیه، هند و امارات) که افغانستان را در معرض قمار اشغالگران می بینند به این مسأله توجه بیشتر کرده، می خواهند هرکدام ازین چهارراه بی صاحب، سود هائی به جیب بزنند.

اینک بانک انکشاف آسیائی تصمیم گرفته است تا ۵۴۸ میلیون دالر را برای ساختن سرک حلقه ئی افغانستان که از کابل شروع، از پلخمري، مزار، شبرغان، میمنه، هرات و قندهار گذشته، دوباره به کابل وصل می گردد به مصرف برساند. این جاده حلقه ئی که ۲۷۰۰ کیلومتر طول دارد، برای تجارت کشور های منطقه بسیار مفید و موثر خواهد بود. قرار است این تعهد در جلسه «سازمان منطقه ئی همکاری های اقتصادی کشور های آسیای میانه» که این بار ریاست آن را وزیر مالیه دولت پوشالی افغانستان به عهده دارد اعلان شود. بانک انکشاف آسیائی که یکی از بانک های امپریالیستی و در آن امریکا و جاپان بیشترین سرمایه را دارند، می خواهد تا با این سرمایه گذاری برای تجارت سرمایه های خود ازین طریق سهولت های بسیاری را به وجود آورد و کشور های منطقه را باهم پیوست دهد.

هند و پاکستان که کشور های جنوبی افغانستان اند، پیوسته تلاش دارند تا برای ره یابی به بازار های آسیای میانه از افغانستان بگذرند. ازین بابت پاکستان در موقعیت بسیار مناسبی قرار دارد. موجودیت دو بندر مهم ترانزیت در تورخم و بولدک، بر مرز افغانستان و پاکستان، زمینه خوبی برای کالا های پاکستانی جهت تسخیربازار های افغانستان و سهم شدن در بازار های آسیای میانه را مساعد کرده و افغانستان یکی از شاه کلید های تجارت پاکستان در منطقه به حساب می آید. بگذریم ازینکه همین اکنون پاکستان سالانه بیش از دو میلیارد دالر از تجارت افغانستان سود می برد و با تمام تهدید جاده ها در ۶ سال اخیر، مسیر جاده تورخم به کابل تا حدی مصون نگهداشته شده است. پاکستان مسیر تورخم به جلال آباد را پخته کاری کرده و اینک می خواهد تا خط آهن پشاور را نیز به جلال آباد وصل سازد.

هند و ایران که در تجارت منطقه ئی تا حدی همسوئی دارند، با فعال کردن بندر چاه بهار و پیوند دادن آن به شاهراه زرنج - دلارام از طریق پل ابریشم نه تنها ایران که هند نیز خود را در شریان تجارت منطقه داخل می سازد. هندوستان با هزینه ۸۲ میلیون دالر و ریخته شدن خون ۱۲ انجنیر هندی به وسیله طالبان این شاهراه ۱۱۰ کیلومتری را تکمیل کرد و اکنون بخشی از مال التجاره ایران و هند ازین طریق وارد افغانستان می شود. ایرانی ها علاوه برآن از طریق بندر اسلام قلعه نیز وارد شریان تجارتي افغانستان و حتی پاکستان و آسیای میانه شده است. چینی ها با اینکه سرحد ۸۵ کیلومتری و دشوار گذر با افغانستان دارند، اما تصمیم به ایجاد راه و تونل بزرگی به مصرف ۶۰۰ میلیون دالر در دل پامیر گرفته تا خود را در چهار راه افغانستان شریک سازند. امارات متحده با بازار معروف تجاری دویی خود نیز بر تجارت با افغانستان و ازین طریق با آسیای میانه بسیار مشتاق می باشد. در یکی از جلسات کنفرانس کابل وزیر خارجه امارات اعلان کرد که سالانه با افغانستان به ارزش یک اعشاریه دو میلیارد دالر تجارت دارد.

در صورتی که این جاده حلقه ئی تعمیر گردد، برای این کشور ها فوق العاده مفید است و تمام آنها را در شریان تجارتي مشترکی یکجا می سازد. فاسدان بر قدرت دولت پوشالی می توانند، پول های کلانتری را ازین طریق به جیب بزنند مگر با وجود اشغال و امپریالیزم، توده های مردم ما از آن سودی نخواهند برد.